صادرات 1400 راهی بس دشوار

عسگراولادی، اسدالله

مدتی است در بیشتر محافل اقتصادی کشور صحبت از اقتصاد 1400 خاصه صادرات غیر نفتی و پیش‏بینی‏ها و اهداف 1400 است لیکن تاکنون تحلیل واقعی از وضع‏ موجود حتی خواستها دقیقا تعریف نشده است و چگونگی‏ دسترسی به آنها مورد مداقه صحیح قرار نگرفته است.

نویسنده بر این عقیده است که:ابتداء باید یک هدف‏ مشخص؛از نظر حجم صادرات وزن و ارزش آنها و سپس‏ رشته‏های موردنظر،و کالای قابل تولید،و صد ور و یا خدمات‏ قابل تحصیل و صد ور را معلوم کرد و سپس راههای رسیدن‏ به آن هدف مورد بررسی قرار گیرد و مهمتر اینکه ابزار لازم،اعم از سخت‏افزار و نرم‏افزار مورد نیاز فراهم آید.

از گذشته و حال پند گرفته و راه آینده را بررسی می‏کنیم. نگاهی به برنامه‏های توسعه اقتصادی اول و دوم و درصد تحقق یافته اهداف آن میتواند راهنمای خوبی باشد.

در برنامه پنجساله اول،میزان صادرات با هدف 18 میلیارد دلار تنظیم و تصویب شد.ولی طی سالهای‏ 1369 الی 1373 فقط حدود 42 درصد هدف بدست آمد و در برنامه پنجساله دوم توسعه،هدف 27 میلیار دلار تنظیم گردید.اما در سال 1376 هم کم‏وبیش میزان‏ قابل حصول به سه و نیم میلیارد دلار نخواهد رسید. بررسی‏ها نشان میدهد در تنظیم برنامه دقت‏هائی میشود ولی راههای رسیدن به اهداف و خاصه در تهیه ابزار و بکارگیری نرم‏افزار و لازم عاجز بوده‏ایم.کمی دقت بیشتر نشان میدهد در صادرات غیر نفتی اشکال ساختاری داریم‏ و تا اعتقاد به عیوب خود راه اصلاح ساختارها را جستجو نکنیم سال به سال از اهداف دورتر خواهیم بود و در این صورت برای رسیدن به صادرات 1400 راهی بس‏ دشوار و در پیش داریم که اگر تلاش جدی نکنیم فقط اشعار آن باقی خواهد ماند.

در جلساتی که با بعضی از وزاری محترم اقتصادی داریم‏ صحبت از حاکمیت دولت می‏شود و سپس این حاکمیت به‏ نوعی قیومت تعبیر می‏گردد و در نتیجه کنترل‏های شدید توصیه می‏شود.گاه هم حتی عاملیت توصیه میشود.باید با صراحت خدمت وزراء گرام عرض کنم:با این طرز برداشت-که ابزارهای کنترلی فعلی حاصل این تفکر است-بهتر است مسئولین فعلی اقتصادی کشور برای‏ صادرات 1400 از حد گفتگوها فراتر نرود که حصول به‏ اهداف غیر ممکن است.

اگر واقعا قصد رسیدن به اهداف قابل قبول و معقول برای‏ سال 1400 داریم که بایست داشته باشیم،باید در جستجوی یک تغییر ساختاری به معنی تغییر حاکمیت‏ و قیومیت دولت در مورد به وواگذاری امر صادرات به مردم‏ با راهنمائی و ارشاد و نظارت دولت نه کنترل شدید دولتی‏ باشیم،اگر جرئت و جسارت این تغییر را نداریم و نتایج‏ حاصل از آن برای بعضی روشن نیست،بهتر است نگاهی‏ به کشورهای موفق در امر صادرات داشته باشیم و راه‏کارها و ابزار بکار گرفته شده آنان را بررسی کنیم.در آسیای شرقی‏ کشورهائی نظیر کره-مالزیا-سنگاپور-فیلیپین-تایوان- چین حتی اخیرا تایلند و ویتنام را بنگریم و در وضع آنها طی‏ 20 سال اخیر که هم زمان با انقلاب اسلامی با شکوه‏ خودمان است دقت کنیم و نقایص خود را برطرف سازیم‏ و بعد با جرئت لازم و به دور از تنگ نظری‏ها و دور از تصورات‏ غیر معقول حاکمیت و قیومیت دولت،ابزار واقعی و تسهیلات‏ لازم را فراهم آوریم.تا زمانیکه تغییر لازم و ضروری‏ در ذهنیت مسئولین اقتصادی کشور نسبت به امرواگذاری‏ کار مردم به مردم انجام نشود فاصله ما از اهداف دورتر خواهد شد و دسترسی به پیش‏بینی‏های صادرات در سال‏ 1400 ناممکن بنظر میرسد.